

# نظام‌های ناتورالیستی سلامت و بیماری از دوران باستان تا قبل

## از پیدایش پزشکی مدرن

حسین نوری

دیبا نیک آئین\*

عاطفه تقدلو

### چکیده

در این مقاله با مروری جامعه‌شناختی بر تاریخ پزشکی دوران باستان به رویکردها و مدل‌های جامعه‌شناسی سلامت و بیماری پیش از ظهور پزشکی مدرن پرداخته شده است و بر ویژگی‌های سه نظام عمده پزشکی باستان یعنی نظام پزشکی یونان باستان (آسیب‌شناسی هومورال)، نظام پزشکی چین باستان (طب سوزنی) و نظام پزشکی آیورودیک هند باستان (آیورودا) تأکید گردیده است. توجه اساسی این نظام‌ها، بر خلاف نظام‌های شخص‌نگر، بر عوامل و پدیده‌های متافیزیکی معطوف بوده است. اصلی‌ترین ویژگی مشترک این نظام‌ها تبیین بیماری بر اساس عدم توازن میان عناصر اصلی بدن بوده است که این عدم توازن، از درون یا بیرون و ناشی از نیروهای طبیعی تلقی می‌شده است. بر این پایه، بیماری به صورتی غیرشخصی تبیین می‌شد و مفهوم «توازن» اساس اتیولوژی بیماری بوده است.

### واژگان کلیدی

آسیب‌شناسی هومورال، آیورودا، توازن، طب سوزنی، نظام‌های ناتورالیستی

---

\* کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی پزشکی، مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسؤل)

## مقدمه

مدل‌های سلامت و بیماری در دوران قبل از پیدایش پزشکی مدرن را به دو دسته نظام‌های شخص نگر<sup>۱</sup> و ناتورالیستی<sup>۲</sup> تقسیم کرده‌اند (مورگان و همکاران، ۱۹۸۲). در نظام پزشکی شخص نگر چنین تصور می‌شده است که بیماری با مداخله فعال و هدفمند یک عامل حسی پدید می‌آید و این عامل موجودی متافیزیکی نظیر یک الهه یا خدا، موجودی غیرانسانی نظیر جن یا روح پلید و یا موجودی انسانی نظیر یک زن افسونگر یا جادوگر است. در این نظام، تمایل ساده به تبیین‌های فوق طبیعی از بیماری بازتاب سلطه قلمروی روح بر هر یک از جنبه‌های دیگر زندگی بود و این امر به آنها کمک می‌کرد تا جنبه‌هایی از جهان را که ویرای کنترل محدودشان بود تبیین کنند. اما با وجود تأکید بر تبیین‌های فوق طبیعی، بیشتر جوامع، علل بیماری‌هایی نظیر سوختگی، پرخوری و زمین افتادن را نیز تشخیص می‌دادند. برای مثال، اهالی پاپوای گینه نو، «بیماری بدون علت» که به جادوگری یا ارواح نسبت داده می‌شد و «بیماری ناشی از انتقال» که خطرناک تر بوده و به طور کلی به وسیله جادوگری یا ارواح ایجاد می‌شد تمایز قایل می‌شدند. نجات فرد از بیماری همانند پزشکی مدرن غرب مستلزم شناسایی علت بیماری همراه با شکل‌های ویژه درمان مرتبط با باورهای سبب شناختی بود. علل بیماری شامل نقص هنجارهای اجتماعی، تابوها، مزاحمت یک روح یا ارواح پلید و جادوی نحس یک جادوگر می‌شد. اگر باور بر این بود که بیماری در نتیجه نقص هنجارهای قبیله اتفاق افتاده است، در این صورت مداوای بیماری به شکل مناسب پرستانه یا بعضی انواع اعاده اجتماعی صورت می‌پذیرفت. در مقابل، در صورتی که تشخیص بر این بود که بیماری ناشی از جادوگری بدخواهانه است، از روش نقص جادوگری یا افسون‌های دیگر استفاده می‌کردند.

در نظام‌های ناتورالیستی بیماری به صورت غیرشخصی و نتیجه عدم توازن عناصر اساسی بدن تبیین می‌شود. این توازن ممکن است از درون یا از بیرون، به وسیله نیروهای طبیعی همچون گرما و یا گاهی اوقات، هیجان‌های شدید به هم خورده باشد. سبب شناسی ناتورالیستی بیش از آن که نیازمند «شمن» (جادوگر قبيله) یا پیشگو و نیروهای جادویی و سحر آمیز باشد نیازمند پزشکان یا عطاران است که از پزشکی و درمان‌هایی که تعادل بدن را احیا می‌کنند آگاهی دارند. افزون بر این، کمک آنان نه در جهت یافتن علل مشکل بلکه بیشتر معطوف به تسکین علائم بوده است.

مورگان و همکارانش (۱۹۸۲) سه نظام ناتورالیستی دوران باستان را آسیب شناسی هومورال<sup>۲</sup>، نظام پزشکی آیورودیک<sup>۱</sup> و پزشکی سنتی چین دانسته‌اند. هدف اصلی این مقاله مرور جامعه‌شناختی این سه نظام و بررسی ویژگی‌های مشترک و متفاوت آنان است.

### نظام پزشکی یونان باستان (آسیب شناسی هومورال)

پزشکی یونان باستان تحت تأثیر سنت‌های پزشکی بابل‌ها و مصری‌ها به ایجاد یک نظام پزشکی هومورال که در درمان به دنبال بازگرداندن توازن مزاج در بدن است نائل گردیده بود. آسیب شناسی هومورال یونان باستان به توازن اخلاط چهارگانه صفرای سیاه، صفرای زرد، خون و بلغم معتقد بود. بقراط این چهار خلط را اخلاط تشکیل دهنده بدن آدمی و سلامت انسان می‌داند. از نظر او، سلامتی هنگامی حاصل می‌شود که این چهار خلط در حالت تعادل باشند. سلامتی حالتی است که چهار عنصر تشکیل دهنده بدن، چه از نظر کیفیت و چه از نظر کمیت، به نسبتی متناسب با سایر عناصر قرار داشته باشند. از سوی دیگر، درد و بیماری

زمانی اتفاق می‌افتد که یکی از این عناصر نقص داشته باشد و یا با دیگر عناصر آمیخته نباشد. به عبارتی، بیماری و درد از افزایش یا کاهش هر یک از این اخلاط پدید می‌آید و هرگاه که یکی از آنها از سه عنصر دیگر جدا و منفصل شود در مزاج اختلال پدید می‌آید (پویان، ۱۳۸۸، ص ۸۷).

آسیب شناسی هومورال بر دو شیوهٔ درمانی تأکید ورزیده بود. شیوه نخست، خدای مرد یا خدای مذکر به نام اسکلیپیوس<sup>۵</sup> است که بر اساس افسانه‌های یونانی، اولین پزشک بوده و در استفاده از چاقو و گیاهان مهارت داشت. بر اساس این نظام پزشکی، درمان همانند آنچه که ما امروز مداخلهٔ پزشکی می‌نامیم تلاشی در جهت ایجاد تغییر منظم و توازن مجدد در بدن بوده است. بیماران به معابد مراجعه کرده و از اسکلیپیوس شفای خود و حتی شفای حیوانات را نیز می‌طلبیدند (تاج بخش، ۱۳۷۲، ص ۳۹۸). فنتزمر می‌نویسد: «در حالی که در یونان باستان طرز تفکر صحیح و معقولانه از سحر و جادوگری جدا گردیده بود ... طب معبد که بستگی نزدیکی با مذهب داشت و عبارت از پرستش نیمه خدا یا اسکولاب بود هنوز پابرجا ایستاده بود ... در شهر اپیداوروس که در مقابل آتن قرار داشت معابدی برای پرستش اسکولاب بر پا شد» (فنتزمر، ۱۳۶۶، ص ۱۰۰). شیوهٔ دوم، الههٔ خدای مؤنث به نام هجثیا<sup>۶</sup> است. اعتقاد بر این بود که این الهه مسئول حفظ سلامتی است. همچنین اتیولوژی هومورال بر این باور بود که هر کسی که طبق عقل و منطق زندگی کند همیشه سالم می‌ماند (جونز و مون، ۱۹۹۲).

بر اساس این نظام پزشکی، سلامتی تحت تأثیر روش زندگی است. عقیده بر این بود که کیفیت ترکیب اخلاط به غذا و آب و هوا بستگی دارد و چون در شهرهای یونان سرماخوردگی و ذات‌الریه و مالاریا از شایع‌ترین امراض بود در نوشته‌های بقراط در کتاب «درباره هواها، آب‌ها و مکان‌ها» رابطهٔ آنها با سلامت

بیان شد. در نوشت‌های بقراط چنین آمده است: «انسان می‌تواند با اعتماد کامل بدن خود را در برابر سرما قرار دهد به شرط آن که بعد از غذا و بعد از ورزش نباشد... برای بدن انسان خوب نیست که در معرض سرمای زمستان قرار نگیرد. بر پزشک علمی واجب است که در چگونگی بادها و فصول به مطالعه پردازد و آب انبارها و جنس خاک را مورد تحقیق قرار دهد و تأثیر این عوامل را در جمعیت آن ناحیه بسنجد» (دورانت، ۱۳۷۰، ج ۳، ص ۳۸۴). بر مبنای نظر بقراط «اگر بخواهیم پزشکی را به درستی مورد بررسی مورد قرار دهیم، باید این موارد را دنبال کنیم: در مرحله نخست، فصل‌های سال یعنی تأثیرات هر یک از این فصل‌ها باید مدنظر قرار داده شود؛ سپس، بادهای گرم و سرد و به ویژه بادهایی که در همه کشورها مشترک هستند، و در مرحله بعد، بادهایی که خاص یک مکان هستند، و آب‌هایی که ساکنان یک محل از آنها استفاده می‌کنند. را مورد بررسی قرار دهد. علاوه بر این، مکانی که افراد در آن زندگی می‌کنند نیز باید مورد توجه قرار گیرد. همچنین کار و پیشه افراد و نیز نوع نوشیدنی و غذای مورد علاقه آنها و کار و روش مورد علاقه آنها نیز باید مدنظر قرار گیرد» (مسعود نیا، ۱۳۸۹، ص ۶۸ به نقل از هوو، ۱۹۶۳).

### نظام پزشکی چین باستان (طب سوزنی)

طب سوزنی که به زبان چینی به آن «جن جیو» گفته می‌شود شاخه ای کل نگر از پزشکی سنتی چین با قدمتی پنج هزار ساله است که برای پیشگیری و درمان بیماری از فرو کردن بدون درد و غیرضروری سوزن در نقاط خاصی از بدن که نقاط مریدینی نامیده می‌شوند استفاده می‌کند. در ارتباط با طب سوزنی این امر پذیرفته شده که این نقاط، بخشی از یک نظام هستند که از راه مجراها و یا

نصف النهارهایی به همدیگر مرتبط اند. معاینه مقدماتی بیمار آشکار می‌کند که به منظور درمان یک بیماری خاص لازم است نقاط و نصف النهارها تحریک شوند (مسعودنیا، ۱۳۸۹، صص ۶۸-۶۹). طب سوزنی به عنوان یک وسیله درمانی از حدود سه هزار سال پیش کاربرد داشته است. قدیمی ترین متنی که از طب سوزنی یاد کرده متعلق به «هان دی نی جینگ» نویسنده معنوی امپراطوری زرد در قالب اثری با عنوان «طب داخلی امپراطور زرد» است که بین صد سال پیش و بعد از میلاد مسیح به چاپ رسیده است و حاوی مبانی اصلی طب سوزنی است (وونگ، ۱۹۸۷) و نظام پزشکی مبتنی بر طب سوزنی درباره نقاط و مجراها و رابطه آنها با علل و درمان بیماری نیز نخستین بار توسط وی تدوین شد (مسعودنیا، ۱۳۸۹، ص ۶۹). در این نظام، پیشگیری مهمتر از مداخله بود. سوون در این باره می‌نویسد: «یک پزشک ممتاز پیش از آن که بیماری آشکار شود آن را کنترل می‌کند. یک پزشک متوسط طب سوزنی را پیش از آن که بیماری به مرحله بحرانی برسد به کار می‌گیرد و یک پزشک پایین مرتبه، بیماری را فقط زمانی که فرد بیمار رو به مرگ می‌رود درمان می‌کند» (مورگان و همکاران، ۱۹۸۲ به نقل از وایی-جن و نیدهام، ۱۹۸۰). پزشکان طب سنتی چینی از انواع تکنیک‌ها نظیر شناسایی نبض و زبان برای تعیین الگوهای عدم تعادل انرژی استفاده می‌کرده اند.

بر طبق نظریه طب سنتی چین، طب سوزنی روشی است که توسط آن، جریان انرژی یا نیروی زندگی در بدن توازن می‌یابد. از نظر چینی‌ها والدین یک فرد در یک بسته انرژی یا آنچه که پزشکی امروزه تخمک می‌نامد که پیش از تولد با یکدیگر ترکیب می‌شوند و نیز کی<sup>۷</sup> پیش از خدا تأثیر زیادی دارند. بعد از آن که بچه متولد شد غذا و هوا برای تغذیه بدن دریافت می‌شود که به کی بعد از خدا موسوم است. کی دو شکل دارد: یین<sup>۸</sup> و یانگ<sup>۹</sup>. در این نظام، عقیده بر این

بود که بیماری‌ها به استثنای تروما، ناشی از افزایش یا کاهش کی برای مثال، کاهش یا نقصان بین و یا افزایش یانگ یا عدم توازن در جریان انرژی بین اندام‌های خاص است.

### نظام پزشکی آیورودیک هند باستان (آیورودا)

آیورودا واژه ای سانسکریت و به معنی علم زندگی و از قدیمی ترین نظام‌های سلامت و بیماری جهان است. آیور به معنی زیستن و ودا به معنی دانش و علم است. حدود نه صد سال پیش از میلاد مسیح، سه دانشمند بزرگ چاراکا، ساشروتا و سامهیتاس، تبیین جامعی درباره اتیولوژی، پاتوفیزیولوژی و رویکردهای درمانی بالینی برای اختلال‌های پزشکی و روان پزشکی فراهم آورده اند که هنوز هم در آموزش پزشکان آیورودیک در هند کاربرد دارد. آیورودا، علاوه بر رویکردهای درمانی برای اختلال‌های روانی و جسمانی، همچنین بر راهبردهای درمانی برای پیشگیری از بیماری و ارتقای سلامت جسمانی و روانی تأکید می‌ورزند. این درمان‌ها کل گرایانه هستند، یعنی رویکردی جامع که متضمن توجه همزمان به مؤلفه‌های روان شناختی فیزیولوژیک رفتاری و محیطی فرد در هنگام درمان است. برخی از صاحب‌نظران، آیورودا را مادر همه روش‌های شفابخشی می‌دانند.

با توجه به صد سال حاکمیت بیگانگان در هند، بیشتر دانش بنیادی مربوط به آیورودا از بین رفت. از زمانی که این کشور به استقلال دست یافت، تلاش‌های زیادی در جهت احیای آیورودا در هند صورت گرفته است. جالب اینکه تاکنون بیش از یکصد کالج آیورودا در هند تأسیس شده اند که برخی از آنها تحت حمایت دولت قرار دارند. سازمان بهداشت جهانی این نظام پزشکی را به رسمیت

شناخته و حمایت‌های ویژه ای از تأسیس مجدد این نظام به عمل آورده است. در ایالات متحده آمریکا نیز در طول ده تا پانزده سال گذشته، آیورودا بسیار معمولی شده است (مسعودنیا، ۱۳۸۹، ص ۷۴).

آیورودا مشتمل بر هشت شاخه اصلی طب اطفال، طب زنان و زایمان، چشم پزشکی، طب سالمندان، طب گوش و حلق و بینی، مسمومیت شناسی، طب عمومی و جراحی است. در نظام آیورودیک، جهان از پنج عنصر مهم تشکیل می‌شود: فضا، آتش، هوا، آب و خاک. در نظام ذهن- بدن انسان، این پنج عنصر به سه اصل مهم که در آیورودا به آن «دوشا» می‌گویند تقسیم می‌شوند. از راه دوشاها است که انرژی و اطلاعات عالم هستی در جسم و زندگی متجلی می‌شوند. در این نظام، سه دوشا شناخته شده است که هر یک تأثیر خاص بر فیزیولوژی انسان دارند. نخستین دوشا، «واتا» یا اصل حرکت است که بر جریان خون، جریان غذا از مجراهای مختلف دستگاه گوارش و حتی حرکت ایده و احساس تسلط دارد. واتا، که از عناصر هوا مثل باد مشتق می‌شود قابل پیش بینی نبوده و پیوسته در حرکت است. دومین دوشا «پیتا» است. پیتا با عنصر آتش در رابطه است و از راه فرایندهای گوارش، غذا را به انرژی تبدیل می‌کند. سومین دوشا، «کانا» است که از عناصر آب و خاک مشتق می‌شود و گفته می‌شود که سنگین ترین دوشاها است. کانا برای شکل گیری و رشد عضلات، استخوان‌ها و رگ‌ها ضرورت دارد. در ضمن، کانا مسئول دیواره‌های سلولی است که ساختار فیزیولوژیک بدن را آیورودا، نظام ذهن- بدن هر فرد با توجه به سهم واتا، پیتا و کانا در ساختار جسمانی وی معین خواهد شد. حالت هر کس به انحراف او از تعادل میان این سه دوشا بستگی دارد. اشخاص در بدو تولد از تعادل میان دوشاها برخوردارند. اگر در بدو تولد دوشای غالب فرد واتا باشد بر اساس نظام آیورودا فرد دارای تیپ واتا



می‌شود زیرا ویژگی‌های واتا در ساختار جسمانی و ذهنی فرد غالب است. به همین ترتیب، اگر دوشای غالب در فرد پیتا و کانا باشد، یعنی پیتا و کانا در طبیعت، نقش مؤثرتری ایفاء می‌کند. اما سه دوشای عمده همیشه در توازن نیستند. برای مثال، ممن است در اثر بیماری، این تعادل به هم خورده و یکی از عناصر ضعیف تر بر بدن مستولی شود. این امکان نیز وجود دارد که در اثر بیماری، دوشای مسلط تعادل خود را از دست دهد. بنابراین، سلامتی زمانی حاصل می‌شود سه دوشا یعنی بلغم، صفرا و نفخ در توازن باشند (لوجندایک، ۲۰۰۷). پزشکان آیورودیک تنوعی از درمان‌ها را برای تضمین و اطمینان از پیشرفت سلامت جسمانی و روانی توصیه می‌کنند (بروکس، ۲۰۰۲).

### نتیجه گیری

یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد اصلی‌ترین ویژگی مشترک نظام‌های ناتورالیستی دوران باستان تبیین بیماری بر اساس عدم توازن میان عناصر عمده بدن است. بیماری به صورتی غیرشخصی تبیین می‌شد و مفهوم «توازن» اساس اتیولوژی بیماری بوده است. آسیب شناسی هومورال با رد فرضیه ماوراء طبیعی بودن بیماری‌ها و ایجاد شیوه جدیدی از درمان بیماران در معابد جهت تازه‌ای به به اندیشه‌های پزشکی داده است و به ایمن‌سازی سیستم بدن توجه فراوان داشته است. به باور طب سوزنی هر بیماری ریشه در اختلال الگوی انرژی‌های حیاتی درونی بدن دارد. آیورودا هنر هماهنگی آدمی با قوانین طبیعت است و همیشه سعی در حفظ تعادل فرد با توجه به طبیعت ذاتی اش دارد. دوشاها اعمال زیستی-روانی بدن را تحت کنترل دارند. آیورودا تغییرات ذهن را عامل نخستین می‌داند. به رغم جنبه‌های افسانه‌ای و حکایتی آنچه که درباره بقراط گفته می‌شود، نظام پزشکی یونان باستان و دیدگاه بقراط درباره هواها، آب‌ها و مکان‌ها و رابطه

آنها با سلامت پایه‌های جغرافیای پزشکی امروزمین را تشکیل داده است و مابین افسانه و حقیقت، توافقی علمی برقرار است.

در پایان، نکته قابل تأمل آن که برخی اطلاعات و شواهد تاریخی نشان می‌دهد که در ایران باستان نظام سلامت و بیماری بسیار پیشرفته تر از بابل و آشور بوده و ایرانیان طب را به یونانیان آموخته اند. در سال ۷۰۰ قبل از میلاد مسیح هیچ اثری از علم و فرهنگ بر یونان باستان مشهود نبوده است و ۹۰۰ سال بعد یعنی سال ۲۰۰ میلادی یونانیان توانستند در علم پیشرفت کنند و بقراط رساله‌هایش را در دانش پزشکی به تحریر درآورد. گفته می‌شود که اسکندر دانش پزشکی را پس از آن که به زبان یونانی برگرداند به مغرب زمین برده است.

پی نوشت‌ها

1. Personalistic Systems
2. Naturalistic Systems
3. Humoral Pathology
4. Ayurvedic Medicine
5. Asclepios

به گفته ابوالحسن علی بن رضوان، اسکلیپوس یا نام فرشته ای است خداوند او را فرستاد که به مردم طب بیاموزد یا این نام یک قوه الهی است که طب را به مردم تعلیم داد. به هر حال، او نخستین آموزگار صنعت طب بوده است.

6. Hygeia

رب النوع صحت و یکی از دختران اسکلیپوس و دختر بزرگ آپولو که در آیین اسکلیپوس نقش مهمی به عنوان اعطا کننده سلامتی دارد.

7. Qi

8. yin

9. Yang

فهرست منابع

پویان، ناصر. (۱۳۸۸). از افسانه تا حقیقت؛ اسقلیبوس، بقراط و جالینوس، تهران، مؤسسه فرهنگی حقوقی سینا، انتشارات حقوقی.

تاج بخش، حسن. (۱۳۷۲). تاریخ دامپزشکی و پزشکی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، جلد اول. دورانت، ویل. (۱۳۷۰). تاریخ تمدن (یونان باستان)، ترجمه امیر حسین آریان پور، فتح الله مجتبابی و هوشنگ پیرنظر، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، جلد سوم. فنتزمر، گرهارد. (۱۳۶۶). پنج هزار سال پزشکی، ترجمه سیاوش آگاه، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

مسعودنیا، ابراهیم. (۱۳۸۹). جامعه شناسی پزشکی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

Brooks, J. (2002). Ayurveda. In Handbook of complementary and alternative therapies in mental health, Academic Press, Inc.

Howe, G. M. (1963). National atlas of disease mortality in the United Kingdom, London, Nelson.

Jones, K., Moon, G. (1992). Health, disease and society, An introduction to medical geography. London, Rutledge and Kegan Paul Ltd.

Luigendijk, DH. (2007). Kalarippayat: The structure and essence of Indian martial art, Stichting Oprat, Netherlands.

Morgan, M., Calnan, M., Manning, N. (1985). Sociological approaches to health and medicine, London, Croom Helm.

Wong, M. (1987). Huang Di Nei Jing Ling Shu, Paris: Editions Masson.

#### یادداشت شناسه مؤلفین

حسین نوری: دانش آموخته کارشناسی پژوهشگری علوم اجتماعی از دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی. از مهمترین علایق پژوهشی وی نظریه‌های جامعه‌شناسی سلامت و بیماری است.

دیبا نیک آئین: دانش آموخته کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی از دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و پژوهشگر گروه جامعه‌شناسی پزشکی مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی. مهمترین علایق پژوهشی وی عبارت‌اند از جامعه‌شناسی ایدز و نظام‌های سلامت و بیماری.

نشانی الکترونیکی: diba\_nik@yahoo.com

عاطفه نقدلو: دانش آموخته کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی از دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه. از مهمترین علایق پژوهشی وی نظریه‌های جامعه‌شناسی سلامت و بیماری است.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۳/۱۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/۶/۲۳